

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

■ محمدتقی پیربابائی^۱، رحیم ایرانشاهی^۲

چکیده

در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی، نظریه ساختاربندی گیدنز از ظرفیت مناسبی برای تبیین پدیده‌های اجتماعی برخوردار است. این رویکرد تلفیقی در جامعه‌شناسی شامل دو وجه عمده «ساخت» و «عاملیت انسان» در تحقق پدیده‌های اجتماعی است که گیدنز، با گذرا از هریک از آن‌ها، توأمان از الزام‌آور بودن ساخت‌ها و آزاد بودن کامل کنش‌های انسانی صرف‌نظر کرده و بر بینابین بودن آن‌ها تأکید می‌کند. بررسی بازار سنتی و اسلامی تبریز با دارا بودن سابقه تاریخی نشان می‌دهد که بیشتر فضاهای این بازار وقفی بوده و در طول تاریخ، علی‌رغم حفظ فضاها، همچنان کارکرد این فضاها نیز تداوم داشته است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن چه تأثیری در ساخت یابی بازار تبریز داشته است. این مقاله به روش تفسیری تاریخی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی بوده و محدوده مورد مطالعه بازار سنتی شهر تبریز است. نتایج نشان می‌دهد ساختار (قواعد و منابع وقف) موجب ماندگاری این فضاها و تداوم عملکردشان شده است. طبق نظریه گیدنز، ما نهادها را می‌سازیم و آن‌ها کنش‌های ما را شکل می‌دهند. در این خصوص، کنشگران مسلمان با بهره‌گیری از قواعد وقف، که برگرفته از ارزش‌های والای اسلامی است، فضاهای بازار تبریز را شکل داده‌اند و سپس همان فضاها کنش‌های کنشگران (واقفان) را شکل داده است. بنابراین می‌توان گفت بازار تبریز تجلی عینی ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی بوده و پدیده وقف موجب شکل‌گیری فضاهای شهری اسلامی و تداوم عملکرد آن‌ها در طول زمان و مکان می‌شود.

واژگان کلیدی

وقف، بازار تبریز، گیدنز، عامل، ساختار.

مقدمه

مطالعه سیر تحول و تطور نهاد وقف در جهان اسلام حکایت از پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ بین وقف و عناصر فضایی شهرهای اسلامی دارد (غفوریان، ۱۳۹۴: ۹۳۳). طی قرون متمادی، کنشگران فضاهای شهری در عرصه این نهاد اسلامی توانسته‌اند با تأثیرپذیری از شرایط زمانی و مکانی در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و در بستر فرهنگی-اجتماعی در جهت حل نیازهای مادی و معنوی و فردی و گروهی گام بردارند (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۸۱).

در روند تکاملی شهرهای جهان اسلام و به‌ویژه شهرهای ایرانی اسلامی، نقش وقف بر ساخت‌یابی بازارها اساسی بوده و ما با گذر زمان شاهد تأثیرگذاری موقوفات بر فرایند توسعه یا بازآفرینی کالبدی و کارکرد نهاد وقف در شهرهای اسلامی هستیم. بازار، به‌مثابه مهم‌ترین عنصر شهرهای ایرانی-اسلامی، از یک سو، یکی از شاخص‌های اعتبار شهر در دوران تاریخی بوده و از سوی دیگر، یکی از مشخصه‌های شهر شرق اسلامی است که طبق نظر اندیشمندان اسلامی نقش پدیده وقف بسیار مهم می‌نمایند (اهلرز، ۱۳۷۳: ۵۱). از این رو در نظریه‌پردازی درباره شهرهای اسلامی این پدیده مورد توجه و تأکید خاص بوده است. براساس جمع‌بندی مدل‌های جغرافی‌دانان، بازار به‌مثابه قلب و هسته اقتصادی شهر از مشخصه‌های بارز و جدایی‌ناپذیر شهرهای اسلامی از جمله ایرانی بوده است (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۰).

نقش بازار در کشورهای سرمایه‌داری از لحاظ اقتصادی بسیار بااهمیت می‌نماید، اما در کشورهای اسلامی بازار، علاوه بر نقش اقتصادی، نقش‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی دارد. در این کشورها بازار مکان تعاملات اجتماعی و نیز محل تجمع گروه‌ها و قشرهای گوناگون مردم به شمار می‌آید. به همین علت بازار صرفاً مکانی برای تجارت نبوده و جنبه‌های دیگر آن باعث تفاوت آن با بازارهای شهرهای اروپایی شده است، به طوری که ویرث نیز بازار را تنها مشخصه اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای شرق اسلامی در برابر شهرهای دیگر حوزه‌های فرهنگی جهان می‌داند (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۰). در این میان به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل این تفاوت عمیق متفاوت بودن عوامل ساخت‌یابی این شهرهاست. یکی از این عوامل «نهاد دینی وقف است که نقش اساسی در فرم‌یابی شهرهای اسلامی ایفا می‌کند» (Herdeg, 1990: 11).

برخی از محققان اهمیت وقف را در ساختار فضایی کالبدی شهرهای کهن اسلامی با توسعه و گسترش این شهرها در دوره‌های مختلف تاریخی مرتبط می‌دانند. آندره ریمون، که شهرهای اسلامی شمال آفریقا را بررسی کرده، در مطالعات شهرهای اسلامی شمال آفریقا (قاهره و تونس)، یکی از نهادهای شاخص اسلامی را که به سازمان فضایی شهر

اسلامی شکل می‌دهد وقف می‌داند (ریمون، ۱۳۷۰: ۳۳). هاموش^۱ در مطالعات خود از عناصری مانند مساجد جامع که در طی زمان تغییر نکرده‌اند به‌عنوان نشانه‌هایی شهری یاد می‌کند که قرن‌ها تثبیت شده‌اند. وی علت این امر را وقف دانسته و معتقد است آنچه به‌عنوان نشانه شهر و ساختمان‌های تاریخی در شهر به جا مانده مدیون حضور سیستم وقف است (۲۰۰۷: ۳۶).

علاوه بر ابعاد کالبدی و اقتصادی، نقش بُعد اجتماعی بازار در تاریخ ایران اهمیت زیادی دارد و در این میان نقش‌آفرینی مذهب در تاریخ ایران به‌وضوح مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که در دوره حکومت صفویه، با اهمیت یافتن بیشتر عنصر مذهب در اجتماع و حکومت، بازار به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین و شاخص‌ترین عنصر شهری در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور نمایان شد و نقش مذهبی بازار و پیوند آن با معنویت موجب شد بازار در حرکت‌های سیاسی جامعه ایرانی جایگاه خاص و برجسته‌ای داشته باشد (رجبی، ۱۳۸۶: ۷۲). نکته مهم در اینجا این است که ساخت فضایی بازارهای شهرهای اسلامی همچون تبریز براساس فرهنگ وقف بوده است. این بازار تاریخی در میان بازارهای شهرهای اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و دینی آن در کنار جنبه اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. این مجموعه تاریخی یکی از شاهکارهای معماری و از ارزنده‌ترین بازارهای ایرانی و با ویژگی‌های منحصر به فرد است که در مسیر جاده تاریخی ابریشم قرار گرفته و در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است (ابی‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۸). خاماچی، از محققان سیر تحولات تاریخی تبریز، مدعی است که از قرن چهارم ه. ق. از بازار تبریز در منابع مختلف نام برده شده است. بنابراین از عمر بازارهای مسقف تبریز دست‌کم هزار سال می‌گذرد (خاماچی، ۱۳۷۵: ۲۰).

در ساختار فضایی شهرهای تاریخی و سنتی ایران مالکیت غالب بناهای با عملکرد عمومی وقفی بوده است. وقف در ایجاد کوچک‌ترین عناصر کالبدی تا بزرگ‌ترین آن‌ها در شهر دخیل بوده است (Steven, 1962: 70). در تحقیق حاضر بررسی در زمانی و هم‌زمانی عوامل مؤثر بر ساخت‌یابی بازار تبریز مطرح نظر خواهد بود. از نظر گیدنز، مطالعه «در زمانی» و «هم‌زمانی» پدیده‌ها برای شناخت فرایندهای تغییر و ثبات نظام‌ها ضروری است؛ زیرا، تحلیل ایستاگر به ما امکان تعیین منبع ثبات را نمی‌دهد، در حالی که تحلیل پویانگر نیازمند فهم منبع تغییر در نظام اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

عمده مطالعات با زمینه شهر و فضاهای شهر اسلامی وقف بیشتر جنبه توسعه فیزیکی شهرهای اسلامی را مد نظر داشته‌اند و صرفاً تأثیر یک‌طرفه وقف بر شهر را بررسی کرده‌اند؛ این عامل موجب شده تمرکز صرفاً بر جنبه تاریخی و گذشته‌محور و ابعاد کالبدی

صورت بگیرد و درعین حال شاهد غفلت از نظام اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی مستتر نهاد وقف باشیم. بازار تبریز با داشتن بیش از ۴۰ مسجد، مسجد جامع، مدرسه علوم دینی و مغازه‌های تجاری که بیشتر وقفی‌اند، طی سالیان متمادی، علاوه بر حفظ کالبد، همچنان عملکرد خود را تداوم بخشیده است. به زعم محقق، ساخت‌یابی و تداوم عملکرد بازار تبریز می‌تواند از نهاد وقف تأثیر پذیرفته باشد؛ از این رو، محقق به دنبال این است که ساختار (قواعد و منابع) وقف با چه سازوکاری موجب ماندگاری فضاهای وقفی بازار تبریز و همچنین تداوم عملکرد آن‌ها شده است. محقق به دنبال شناخت ساخت‌های پیرامونی بر شبکه (عامل، ناظر، متولی، موقوفه) وقف در خصوص بازار تبریز نیز هست. بنابراین پژوهش حاضر، با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع وقف در شکل‌گیری بازار سنتی تبریز، در پی تبیین نقش و کارکرد موقوفات در ساخت‌یابی کالبدی بازار تبریز خواهد بود. به باور دورکیم، هر زمان که به تبیین پدیده اجتماعی می‌پردازیم، باید جداگانه علت موجد آن و کارکردش جست‌وجو شود (لازارسفلد، ۱۳۷۶: ۹۶). واژه کارکرد معرف چیزی است که علت تداوم و موجودیت جاری سازمان یا هر واحد دیگری است (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۱). بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ علمی به این پرسش خواهد بود: نقش وقف و کارکرد آن چه تأثیری در ساخت‌یابی بازار تبریز داشته است؟

پیشینه پژوهش

در روند مطالعات شهری در جهان اسلام، با تمرکز بر موضوعاتی مانند شکل‌گیری فضای عمومی و محیط‌های شهری، توسعه شهرها، احداث یا بازسازی بخش‌هایی از شهرها، جزئیات ساختمان‌های عمومی، مکان و ماهیت آن‌ها در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در واحدهای همسایگی با تکیه بر موقوفات، تحقیقاتی انجام شده است.

برای پاسخ به این پرسش که فرهنگ وقف در ساخت‌یابی بازارهای شهرهای جهان اسلام چگونه مورد توجه قرار گرفته است، می‌توان به بونین^۱ (۱۹۸۷) و چیتلی^۲ Çöteli (۲۰۱۶) اشاره کرد. در میان پژوهشگران داخلی نیز می‌توان به شفقی در مقدمه‌ای بر شناخت شهرهای اسلامی (۱۳۷۸)؛ شفقی در مقاله «تحلیل فضایی کالبدی بازار اصفهان» (۱۳۸۰)؛ شهابی در مقاله‌ای تحت عنوان «مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری» (۱۳۸۳)؛ کلانتری خلیل‌آباد، صالحی و رستمی در مقاله «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی» (۱۳۸۹)؛ یوسفی‌فر و یدالله‌پور در مقاله «مؤسسات وقفی در حیات بازار سنتی آمل» (۱۳۹۴)؛ فاریابی، هاشمی زرج آباد، شاطری

1. Bonine

2. Çöteli

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت‌یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

و زارعی در پژوهش «نقش نهاد وقف در شکل‌گیری و گسترش شهرهای اسلامی (بافت تاریخی بیرجند)» (۱۳۹۵)؛ و شاه‌حسینی (۱۳۹۵) در مقاله «تأثیرات متقابل مکان‌های وقفی و توسعه شهر تهران در دوره قاجاریه» اشاره کرد.

در حوزه بازار تبریز، تحلیلی بر بازار تبریز به قلم ذوالفقارزاده و جابری و تاریخ و معماری بازار تبریز اثر اسمعیلی سنگری و عمرانی به مطالعه معماری بازار تبریز و روند شکل‌گیری و توسعه تاریخی آن اشاره کرده‌اند و از جنبه نهاد وقف بدان پرداخته‌اند.

در مجموع، با تأمل بر این پژوهش‌ها و دیگر تحقیقات صورت‌گرفته، در ایران ما شاهد حضور وقف در شهرهایی مانند اصفهان، مشهد، شیراز، اردبیل، ملایر، زنجان، لالجین، تفت، یزد، تبریز و تهران هستیم. در خصوص مطالعات موردی نزد مستشرقین و خاورشناسان، عمده این تحقیقات با تمرکز بر شهرهای اصفهان، ملایر، تهران، مشهد و یزد بوده که بالاترین آمار مربوط به شهر اصفهان است. درباره شهر تبریز، به‌غیر از مطالعه مجموعه‌های خاص مانند ارگ علیشاه و مجموعه ربع رشیدی که به‌عنوان آثار تاریخی شناخته شده و نقش و فعالیت دیگری در تحولات شهری معاصر ندارند، هیچ مقاله و پژوهش مستقلاً درباره فضاهای شهری مانند بازار، که همچنان دارای کارکردهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است، انجام نشده است.

روش پژوهش

با توجه به کیفی بودن مقاله، راهبرد تفسیری تاریخی در این پژوهش انتخاب شده است. جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی و محدوده مورد مطالعه بازار سنتی شهر تبریز است. عمده‌ترین اسناد که بیشتر منابع وقفی است از اداره کل اوقاف استان آذربایجان شرقی تهیه شده است که شامل وقف‌نامه مجموعه‌ها و بناهای وقف پایه در بازار تبریز و نحوه مدیریت و متولی و ناظر آن‌هاست. همچنین از مقالات پیشین، مجلات، کتب تاریخی و سفرنامه‌ها استفاده شده است. در بخش فرایند شکل‌گیری و توسعه موقوفات بازار تبریز از نقشه‌های موجود در اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی استفاده شده است. نقشه‌ها نیز از نقشه اولیه شهر تبریز از دوره قاجار، که در آرشیو اداره میراث فرهنگی شهر تبریز موجود است، اقتباس شده‌اند و ویرایش و روزآمد کردن آن‌ها براساس برداشت میدانی پراکندگی موقوفات و رقبات آن‌ها و اطلاعات پرونده ثبت جهانی بازار تبریز تهیه شده است.

این مقاله قصد دارد نقش و کارکرد وقف را در بازار اسلامی شهر تبریز بررسی کند، به همین علت در ادامه به روند شکل‌گیری مجموعه بازار تبریز براساس وقف اشاره خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

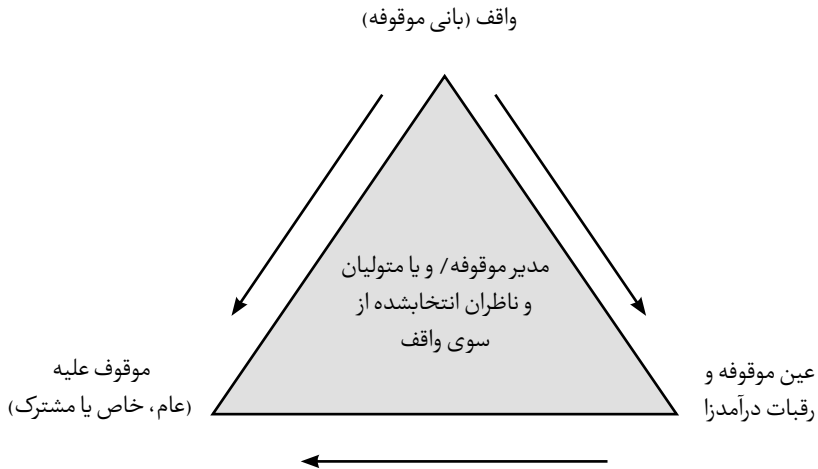
وقف

وَقْفٌ به معنی ایستادن و تَوَقُّفٌ است (راغب اصفهانی، ج ۴، ۱۳۷۴: ۴۷۹). درست است که واژه وقف و مشتقات آن در قرآن نیامده؛ اما برخی مفاهیم مورد تأکید در آن بر وقف و احکام فقهی آن دلالت می‌کند (منافی شریف‌آباد، زمانی و پورسلیم، ۱۳۹۳: ۶۶). از این رو می‌توان از باب اولویت با آیات مربوط به «احسان و انفاق» (نساء: ۴۰؛ انعام: ۱۶۰؛ شوری: ۲۳؛ بقره: ۲۶۶ و ۲۷۴)، «قرض الحسنه» (آل عمران: ۹۲)، «تعاون» و «صدقه» (کهف: ۴۶) به جواز و بلکه استحباب وقف استدلال کرد (طباطبایی، بی‌تا: ۵۸۷؛ آجرلو، ۱۳۹۳: ۶). از منظر فقهی، وقف صورت خاصی از حق انتفاع به معنای عام کلمه است. عقدی است که به موجب آن مالک عین مال معینی از اموال خود را از نقل و انتقال مصون می‌کند و منافع آن را در اختیار شخص یا اشخاص یا مصرف معین می‌گذارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۷۵۲). در باب تعریف حقوقی وقف، براساس قانون مدنی ایران که از فقه امامیه اقتباس شده، «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (ماده ۵۰ قانون مدنی).

وقف دارای ارکانی است که عبارت‌اند از: صیغه وقف، واقف، موقوف علیه و عین موقوفه (موسوی بجنوردی و قهاری، ۱۳۹۵: ۴، به نقل از ملکوتی فر، ۱۳۸۰: ۱۲۷). براساس نوع موقوف علیه می‌توان نوع وقف را تعیین کرد؛ در صورتی که موقوف علیه محصور (طبقه اول موقوف علیه یا قائم مقام قانونی واقف) باشند وقف خاص محقق می‌شود و اگر غیرمحصور (وقف بر فقرا و وقف بر جهت و مصالح عامه) باشند وقف عام خواهد بود (شکاری و کریمیان، ۱۳۸۹: ۹۸). در عین حال، برخی از موقوفات ترکیبی از وقف عام و خاص هستند که تحت عنوان وقف مشترک شناخته می‌شوند (Deguilhem, 2008: 924). در وقف مال موقوفه شرایط به شرح ذیل لازم است رعایت شوند: ۱. عین باشد؛ ۲. با بقای عین بتوان از آن انتفاع کرد؛ ۳. ملک واقف باشد نه ملک دیگری؛ ۴. به قبض دادن آن ممکن باشد (مغنیه، ۱۴۰۴: ۵۸۸، جزء ۴۰؛ به نقل از رضایی، صدری و آقاجانی قناد، ۱۳۹۲: ۲۶۶). در این میان، بر واژه عین در بحث وقف بسیار تأکید شده است که از منظر لغوی عین به معنای ذات و تمامیت و نفس یک چیز است؛ از منظر فلسفی عبارت است از چیزی که دارای تعیین و تشخص خارجی است و لذا از دیدگاه فلسفه وجود خارجی را وجود عینی نیز می‌گویند که در مقابل وجود ذهنی استعمال می‌شود. با توجه به ماده ۵۰ قانون مدنی در مورد تعریف وقف، می‌توان گفت که مقصود از عین در تعبیر مالکیت عین موقوفه مفهوم فلسفی عین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۴۸۳). در این میان، برخی از مقالات در حوزه وقف به رقبات موقوفات که هزینه موقوفات را تأمین می‌کرده‌اند اشاره کرده‌اند. واژه رقبه در اصل به معنای گردن آمده است؛ لیکن به مفهوم ذات انسان، یعنی

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت‌یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

برده، و همچنین به معنای عین چیزی نیز آمده است؛ مثلاً گفته می‌شود رقبه زمین، رقبه موقوفه و رقبه رهن که به معنای عین آن‌هاست (هاشمی شاهرودی، ج ۴، ۱۳۸۲: ۱۲۲). منظور از رقبات همان عین موقوفات است و جزئی جدا از موقوفات نیست. با توجه به تعریف ارکان وقف و شرایط آن می‌توان ارتباطی پیوسته و ماندگار را بین آن‌ها طبق شکل ذیل ارائه داد:



شکل ۱. نحوه ارتباط و وابستگی بین واقف، عین موقوفه و رقبات، موقوف علیه که به وسیله واقف و یا متولیان موقوفه تکرار و تجدید می‌شود (منبع: نگارندگان)

ساخت‌یابی گیدنز

جدال بر سر مفاهیم کنش و ساختار و میزان تأثیرگذاری هریک از آن‌ها بر تحولات اجتماعی سال‌هاست که بین جامعه‌شناسان برقرار است. گیدنز در نظریه‌های خود در تلاش است، با گذر از هر دو طیف این نظریه‌ها، بر بینابین بودن کنش و ساختار تأکید کند. در میان طیف گسترده نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن، از جامعه‌شناسی فردگرا و تفسیری تا جامعه‌شناسی کارکردی و ساختارگرا، نظریه ساخت‌یابی را باید نظریه‌ای بینابینی دانست؛ بدین معنا که نه قائل به حاکمیت مطلق ساختارهاست و نه معتقد به فرمانروایی عاملان و کارگزاران اجتماعی؛ بلکه نظریه‌ای است که با نگاهی نو به ساختار و کنش انسانی می‌پردازد. به زعم گیدنز، ساختار را می‌توان براساس مجموعه‌ای از قوانین به همراه منابع تعریف کرد. به عبارتی، عاملان اجتماعی فعالیت‌های انسانی را ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه این کنش‌ها از طریق همان راه‌هایی که انسان‌ها خودشان را به عنوان کنشگر مطرح می‌کنند دائماً بازتولید می‌شوند. عوامل انسانی از طریق کنش‌های خود

شرایطی را به وجود می‌آورند که این کنش‌ها را ممکن می‌کنند (Giddens, 1984:2). گیدنز ساختار را عبارت از هر دو جنبهٔ تحمیل‌ها و فشارها و محدودیت‌ها و توانایی‌ها می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵). از نظر گیدنز، کنشگران، با بهره‌گیری از «قواعد و تدابیر مناسب» ساخت، از طریق عناصر معنایی، هنجاری و... به موقعیت‌های کنش شکل می‌دهند و با در اختیار داشتن لوازم کنش انسانی (ساخت) قادر به اعمال توان عاملیت تاریخی و قابلیت دگرگون‌ساز خود می‌شوند (پارکر، ۱۳۸۶: ۹۷). البته ساخت‌ها در مقام قواعد و تدابیر کاری انجام نمی‌دهند؛ بلکه از رهگذر آگاه شدن کنشگران و استفادهٔ آنان از این قواعد و تدابیر است که تأثیر خود را بر جای می‌گذارند. می‌گذارند. از نظر گیدنز، جامعه (متن) هم ساختار است و هم کنش. گیدنز با تأکید بر هر دو مقوله ساخت و کنش‌های انسانی، معتقد است که «ما به‌عنوان انسان، انتخاب می‌کنیم و صرفاً به گونهٔ انفعالی به رویدادهای پیرامونمان پاسخ نمی‌دهیم. ساخت‌های اجتماعی در متن جامعه، هم‌زمان هم برکنش اثر می‌گذارند و هم نتیجه کنش انسانی‌اند؛ از نظر گیدنز «هر کنش اجتماعی دربرگیرنده‌ی ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد عاملیت و ساختار به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت روزمره در یکدیگر تنیده شده‌اند (گیدنز، می‌توان گفت جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده است:

۱. پدیده‌های اعتباری کنش و پیامدهای آن؛

۲. پدیده‌های تکوینی: پدیده‌هایی که نه به دست انسان که به واسطهٔ ارتباطی که با زندگی انسان‌ها دارند به جهان اجتماعی راه می‌یابند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶: ۲۱).

پدیده‌های تکوینی: پدیده‌هایی که انسان‌ها آن‌ها را ایجاد نمی‌کنند؛ اما به واسطهٔ ارتباطی که با زندگی انسان‌ها دارند به جهان اجتماعی راه می‌یابند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی اجتماعی، ۱۳۹۶: ۲۱).

بند یک اشاره دارد به اینکه جهان اجتماعی با آگاهی و ارادهٔ افراد انسانی پدید می‌آید. پدیده‌های اعتباری را مردمی که در یک جهان زندگی می‌کنند و اهداف و ارزش‌های مشترکی دارند به وجود می‌آورند؛ اهدافی مانند رفع نیازهای اجتماعی، زندگی جمعی و... . وقتی مردمی به یک سری ارزش‌ها اعتقاد داشته باشند، آن ارزش‌ها راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی می‌شوند و مردم مطابق ارزش‌ها عمل می‌کنند، پس ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌کشاییم که به دست گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند. اما هریک از ما صرفاً کنشگری منفعل نیستیم، بلکه می‌توانیم در جهت تداوم و گسترش ارزش‌هایمان حرکت کنیم یا در مسیر دیگر

بازاندیشی کرده و آن‌ها را تغییر دهیم. هر جهان اجتماعی، تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و در پی آن برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری را به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد و این تأیید همان عبارت مارکس است، مبنی بر اینکه انسان‌ها تاریخ را می‌سازند اما نه در شرایطی که به انتخاب خودشان باشد (ریترز، ۱۳۸۳: ۱۲). در واقع تأکید مارکس بر رابطه دیالکتیکی میان عاملیت و ساختار است و این همان چیزی است که گیدنز آن را دوگانگی ساختار اطلاق می‌کند (حاجی حیدری، ۱۳۸۸: ۹۷).

بند دوم هم اشاره به این دارد که برخی از پدیده‌ها به دست انسان‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان‌ها پیدا می‌کنند در کنش انسان‌ها اثرگذار می‌شوند. شناخت خداوند، جهان فراطبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌ها زندگی آدمیان را شکل می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌کند. گیدنز از ساختارهای سفت‌وسخت بحث نمی‌کند، بلکه به زعم گیدنز، همان‌گونه که ساخت به عامل امکان می‌دهد، ساخت نیز بدون «عامل‌های انسانی» نمی‌تواند بازتولید شود، بنابراین همواره وجود ساخت به عامل وابسته است؛ چراکه این عامل است که برای رسیدن به مقاصد خود از منابع قدرت استفاده و قواعد را مراعات می‌کند و موجب بازتولید آن می‌شود. بنابراین به همان اندازه که عامل برای انجام امور خود نیازمند ساخت است، ساخت نیز برای ایجاد و بقای خود نیازمند عامل است. گیدنز این واقعیت را «دوگانگی ساخت» می‌نامد (Giddens, 1984: 15)؛ یعنی نیاز متقابل ساخت و عامل. دو عنصر اول تحت عنوان قواعد و عنصر سوم تحت عنوان منابع قرار دارد (حیدری و متقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۳). بازار تبریز از عناصر و ساختارهایی با کارکردهای گوناگون در طول تاریخ شکل گرفته و عملکرد آن تداوم یافته است. در این مجموعه شاهد عاملیت اقشار مختلف، از طبقه حاکم تا علما و مجتهدان و سایر طبقات، در شکل‌گیری و تداوم موقوفات هستیم. همه این عاملان در برهه‌ای از تاریخ دست به کنشگری زده و، براساس قواعد و منابع و متأثر از ساخت‌های پیرامونی، کنشگری کرده و نهاد بازار تبریز را خلق کرده‌اند و دوباره این نهادها بر نسل‌های بعدی اثرگذار شده‌اند؛ به عبارتی، انسان‌ها نهادها را می‌سازند و دوباره همین نهادها به کنش‌های انسانی شکل می‌دهند.

از نظر گیدنز، کنش انسانی در چارچوب زمان و فضا قرار می‌گیرد و اگرچه دستور افعال از طرف انسان‌ها صادر می‌شود، اما این افعال در چارچوب‌هایی مانند زمان و مکان انجام می‌شوند. بنابراین از دیدگاه وی، کنش‌ها در خلأ انجام نمی‌پذیرند، بلکه محصور در ظرف زمان و مکان خواهند بود (عزیزخانی، ۱۳۸۷: ۶). در این راستا، هر کنشی در

هر زمان متأثر از ساخت‌های محیطی است که بر کنشگران الزام آور بوده‌اند. در بررسی در زمانی پدیده وقف در بازار تبریز متوجه ساخت‌هایی هستیم که به نوعی بر رونق یا رکود این پدیده تأثیر داشته‌اند. یکی از این ساخت‌ها حکومت‌ها و ایدئولوژی‌های آن‌هاست، به طوری که در همه دوره‌های تاریخی به وضوح می‌توان مشاهده کرد. برای مثال، با آغاز حکومت صفوی و تأکید دربار بر وقف، نه تنها خود پادشاهان صفوی آثار ماندگار بسیاری را وقف چهارده معصوم کرده‌اند، بلکه تبلیغ و ارزش‌گذاری آن‌ها بر وقف باعث تأثیرگذاری بر کنشگران مسلمان نیز شده است. حکومت صفوی و حکومت نادرشاه را می‌توان دو سرپیوستار در نظر گرفت که هریک مثال خوبی برای تأثیرگذاری نقش حکومت‌ها و ایدئولوژی آن‌ها بر پدیده وقف و توسعه مجموعه بازار تبریزند.

ارزش‌ها و هنجارهای دینی را هم می‌توان نوعی ساخت‌های محیطی که بر کنشگران مسلمان اثرگذار بوده‌اند دانست. در خصوص حکومت‌ها می‌توان به دوره ثبات سیاسی و اقتصادی و رونق اقتصادی نیز اشاره کرد؛ برای مثال، در دوره صفوی که امنیت رونق اقتصادی برقرار بود، شاهان صفوی و کارگزاران در ولایت‌های مختلف موقوفات زیادی داشتند و این جریان در قیاس با دوره ورود افغان‌ها به کشور با رکود مواجه شد. در حوزه مطالعات شهر اسلامی، برخی محققان بر این باورند که ارزش‌ها و هنجارهای دینی را می‌توان یکی از مؤثرترین عوامل در شکل‌یابی و توسعه فضاهای شهری در دوران اسلامی به حساب آورد (کریمیان، بهمنی و شهابی، ۱۳۹۵: ۴۴). در تداوم این رویکرد نسبت به شهر اسلامی شاهد ارائه و تأیید نقش تعیین‌کننده و مهم عامل جهان‌بینی و ارزش‌های دینی و مذهبی بر ساخت و تولید فضاهای شهری در دوره اسلامی هستیم (شمس و حجبی ملایری، ۱۳۸۹: ۱۹۱). می‌توان گفت جوامع اسلامی مبتنی بر قواعد و ساختار اسلامی اندیشه و تفکرات خود را شکل کالبدی می‌بخشند و از سویی این ابعاد عینی و بعضاً کالبدی در بازتولید جامعه نقش ایفا می‌کنند. از منظر اندیشمندان شهر اسلامی، فضاهای جمعی مانند مسجد و بازار جزء ارکان و ساختارهای اصلی شهر اسلامی هستند و در روند تداوم و توسعه مفاهیم و ارزش‌های مورد تأیید جهان‌بینی دینی و مذهبی اسلام نقش بسزایی داشته و دارند. به زعم گیدنز نیز، آن چیزی که نقش نهادی دارد فرد نیست، بلکه واحد زمانی مکانی است. از نظر گیدنز، واحدهای زمانی مکانی دارای چنان جایگاهی هستند که گاهی اوقات اعمال انسانی را شکل می‌دهند (عزیزخانی، ۱۳۸۷: ۶). گیدنز معرفت‌عاملان را به آگاهی استدلالی و آگاهی عملی تقسیم‌بندی می‌کند. این تمایز از اهمیت زیادی برخوردار است. اگرچه گیدنز مفاهیمی چون قواعد و منابع را به کار می‌گیرد؛ اما این مفاهیم بیشتر در زمینه بحث او از آگاهی عملی قابل درک هستند تا آگاهی استدلالی. آگاهی استدلالی هر چیزی است که کنشگران درک می‌کنند، می‌دانند

و می‌توانند آن را بر زبان آورند. آگاهی عملی درک شناختی است که بیان‌شدنی نیست. قواعد در فعالیت‌های عملی زندگی روزانه نهفته‌اند نه در آگاهی استدلالی. قواعد رویه‌های کنش و شیوه‌های رفتاری‌اند که در آگاهی عملی رسوب یافته‌اند (Leskiewicz, 2004: 23-24).

منظور گیدنز از عامل نیز عاملانی آگاه است که کنش آن‌ها معنادار و هدفمند و برخوردار از قدرت لازم برای انجام کنش است. به عقیده وی، عامل به کمک ذخایر معرفتی خود منظور عامل مقابل را درک می‌کند و مطابق آن براساس هنجارهای اخلاقی عمل می‌کند. اما عنصر مهم دیگری هم در عملکرد وجود دارد و آن امکان عمل است؛ یعنی توانایی انجام کار به کمک منابعی که به انسان قدرت انجام کار می‌دهند (حیدری و متقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۳).

در بررسی روند ساخت‌یابی بازار تبریز متوجه نوعی معرفت و آگاهی کنشگران هستیم. برای مثال، برخی از کنشگران قطعه زمینی را برای ساخت مسجد وقف کرده و مقداری رقبه هم برای تداوم عملکرد آن اهدا کرده‌اند. پس از مدتی عاملی (واقفی) دیگر در نزدیکی همان مسجد قطعه زمینی را برای ساخت حمام وقف کرده است. برخی واقفان مدرسه‌ای را ساخته و وقف کرده و در کنار همان مدرسه مسجدی را وقف کرده‌اند. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، مسجد، بازار، حمام و مدرسه از نشانه‌های عینی شهر اسلامی هستند و این همان آگاهی و معناداربودن کنش‌هایی است که در ساخت‌یابی بازار تبریز مؤثر واقع شده‌اند. بنابر مفهوم «عامل»، که گیدنز بر آن تمرکز دارد، عاملان بعدی، به کمک ذخایر معرفتی خود، منظور دیگر عاملان را درک می‌کنند و براساس میزان درک خود و هنجارهای اخلاقی عمل می‌کنند. اما عنصر مهم دیگری هم در عملکرد وجود دارد و آن امکان عمل است؛ یعنی توانایی انجام کار و این امر میسر نمی‌شود مگر به کمک منابعی که به انسان قدرت انجام کار را می‌دهند. به نظر گیدنز، عملکردها بر «قواعد و منابع» مبتنی‌اند و مفهوم «ساخت» در معنای اصلی آن دست‌کم به همین قواعد و منابع مربوط می‌شود (Giddens, 1984: 15). به نقل از حاجی حیدری و متقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۳.

می‌توان گفت در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر ناظر به دیگر کنشگران، ویژگی‌ها و اعمال آن‌هاست. در اینجا می‌توان از قشر روحانیت و مراجع نیز که همیشه در مقام متولی و امین مردم در هنگام وقف حضور داشته‌اند نام برد. ساخت (قواعد و منابع) در نظام‌های شهری مبتنی بر نهاد وقف شامل قواعد، اصول، ارزش‌ها و هنجارهای دینی بوده است و متولی و مسئول اجرای اهداف وقف را فقها و مجتهدان، که سند وقف‌نامه را تدوین می‌کردند، معین می‌کردند. اگر در این خصوص مشکلی پیش می‌آمد، باز همان فقها تفسیر وقف‌نامه را براساس اصول دینی استخراج می‌کردند و مسائل و مشکلات

را حل می‌کردند. به عبارتی، در گذر زمان و تغییر شرایط، فقهای اسلامی می‌توانستند تفسیری براساس اصول و منابع دینی ارائه دهند و، با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، مسائل و مشکلات اهداف وقف را حل کنند و بدین وسیله کارآمدی مجموعه‌های شهری برآمده از وقف را تداوم بخشند. براساس نظریه گیدنز، یکی از عوامل زمینه‌ساز، ثبات یا دگرگونی نظام‌های فضایی شهری مبتنی بر وقف در کشورهای اسلامی علما هستند که غیرمستقیم جریان فرهنگ اسلامی را در شهر تداوم می‌دهند.

برخی از بنیان موقوفات تبریز ابتدا بازاندیشی و نیازسنجی می‌کردند و پس از مشاوره با روحانیان وقف می‌کردند. به زعم گیدنز، پیوستگی ساختار و عاملیت (انسان) در زمان و فضا تبیین می‌شود. در اندیشه دوگانگی، ساختارها هم میانجی و هم نتیجه عملکردهای اجتماعی هستند. این تفکر گیدنز در همه مکان‌ها بازتولید نظام‌های اجتماعی را در زمان و فضا به عهده بازیگران آگاه (انسان) می‌گذارد. آگاهانه، معنادار و هدف‌دار بودن از ویژگی‌های کنشگران بازار تبریز بوده که، از نظر گیدنز، در ساخت‌یابی پدیده‌های اجتماعی اساسی هستند. به زعم گیدنز، تمامی پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آنجا که آدمی با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.

ساخت‌یابی بازار تبریز براساس منابع وقفی

با نفوذ اسلام به ایران، اندک‌اندک، نمادهای کالبدی دین به‌عنوان عناصر جدایی‌ناپذیر از بازارها ظاهر شدند و عناصری چون مسجد، مدرسه، حسینیه و تکیه جای خود را در بازار باز کردند. در حقیقت، در دوران اسلامی عملکردهای جدیدی در بازار شکل گرفتند و به تدریج شامل حیات جمعی کل شهر شدند و ساختار و کالبد بازار به اندامی مرکب با در نظر گرفتن تمام عملکردهای زندگی عمومی شهر بدل شد (خان محمدی، ۱۳۸۶: ۶۲). الگوهای کهن فضاهای شهری با دستورات اسلامی در هم آمیخته شدند و بافت و ساخت کالبدی متفاوتی را رقم زدند (حبیبی، ۱۳۹۰: ۴۴). بازارهای شکل‌گرفته در شهرهای اسلامی به هویتی منحصر به فرد برای آن شهرها تبدیل شدند که نسبت به بازارهای شهرهای غیراسلامی کاملاً متفاوت می‌نمودند. در ایران، به لحاظ تاریخی، سامانیان نخستین حکومتی بودند که در قرن چهارم ه. ق. تشکیلاتی اداری به نام دیوان اوقاف به وجود آوردند که به کار مساجد و اراضی موقوفه رسیدگی می‌کرد. پس از آن، در دوره ایلخانیان مغول، تشکیلات منظمی برای اداره موقوفات به نام حکومت اوقاف وابسته به دیوان قضا بود که زیر نظر قاضی القضات عمل می‌کرد. در دوره صفویه نیز، تشکیلات مستقلی برای اداره موقوفات بود که در همه شهرها نماینده‌ای به نام وزیر اوقاف داشت (بزرگی،

۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۱۱).

شهر تبریز بعد از اسلام از نمونه شهرهایی است که در روند توسعه تاریخی تأثیر بسیاری از نهاد وقف و موقوفات پذیرفته و بازار سنتی آن براساس وقف شکل گرفته و طی سالیان متمادی همچنان کارکرد خود را حفظ کرده است. پیشینه تاریخی و زمان ساخت بازار تاریخی تبریز دقیقاً مشخص نیست؛ زیرا به واسطه قرار گرفتن شهر تبریز بر روی کمربند زلزله بارها ویران و مجدداً بنا شده است. در واقع، زلزله‌های متعدد، مکرر و مخرب مانع سالم باقی ماندن این اثر شده است و این موضوع بررسی دقیق شکل‌گیری بازار به عنوان هسته اصلی شهر را با مشکلاتی مواجه کرده است؛ از این رو به همان اندازه که تاریخ تبریز مبهم است، تاریخ شکل‌گیری بازار تاریخی تبریز نیز مبهم خواهد بود (ابی زاده، ۱۳۹۷). بنای اولیه این بازار را به قرن چهارم ه. ق نسبت می‌دهند؛ در واقع، بازار تاریخی تبریز از این دوره در منابع مختلف آمده است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۶: ۶۷). بسیاری از جهانگردان از جمله ابن بطوطه (۱۳۷۶: ۱۹۴)، مارکوپولو (۱۳۵۲: ۳۲)، اولیای چلبی (۱۳۳۸: ۱۸)، شاردن (۱۳۷۲: ۴۷۷)، فلاندن (۱۳۵۶: ۸۱)، کاری (۱۳۴۸: ۳۱)، کلاویخو (۱۳۶۳: ۲۵۴)، مستوفی (۱۳۳۶: ۸۸)، ناصر خسرو (۱۳۵۴: ۷) و... ضمن بازدید از بازار تاریخی تبریز، از رونق و شکوه و عظمت این بازار تمجید کرده‌اند. با توجه به سفرنامه‌های موجود درباره بازار تاریخی تبریز می‌توان استنباط کرد که بازار تبریز از قرن چهارم ه. ق بوده و تحسین جهانگردان را برانگیخته است.

همچنین در ریشه‌یابی شکل‌گیری بازار تبریز می‌توان به گفته و چاتلما استناد کرد که مدعی است در زمان ساسانیان هسته اولیه بازارهای شهری در فضاهای باز و میدان‌های مهم سکونتگاه‌ها تشکیل و توسعه یافت (۱۳۶۸: ۹۴-۹۵). با این حال، به طور تقریبی می‌توان قدمت بازار تاریخی تبریز را به دوره‌های اولیه شهرسازی ایران پس از اسلام نسبت داد.

مرکزیت شهر تبریز تا قبل از دوره ایلخانیان در جنوب رودخانه میدان چای در محدوده مسجد جامع و بازار بوده است و در دوره ایلخانی، با ساخت مجموعه‌های شهری همچون شنب‌غازان خان در غرب و مسجد جامع علیشاه در جنوب، مرکزیت شهر از موضع بازار و مسجد جامع به سمت این عناصر توسعه یافته است (محمدزاده و منصور، ۱۳۹۷: ۲۰). در خارج از شهر نیز مجتمعی بسیار بزرگ با عنوان ربع رشیدی به دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر ایلخانی، بنا شد و بازاری داشت که بر وقف مبتنی بود و با رقبات وقفی حمایت می‌شد (Bonine, 1987: 185). نژاد ابراهیمی در خصوص بازار تبریز اظهار می‌دارد: «آنچه از متون تاریخی به دست می‌آید محدوده ساخت و ساز شهری در تبریز پیش از ایلخانان مغول در محدوده بازار و مسجد جامع تبریز بوده است» (۱۳۹۳:

۴۲). با شروع دوران حکومت غازان خان در عصر ایلخانی و پذیرفتن دین اسلام، شکلی جدید از منظر محتوایی فضای حاکم بر شهرسازی را فرامی‌گیرد. در این دوره دین رسمی پذیرفته شده از سوی دولت با دین رسمی مردم همخوانی پیدا می‌کند و از این جهت شهرسازی، علاوه بر وجه سیاسی و تجاری و فرهنگی خود، اهمیت مذهبی نیز می‌یابد. برای نمونه، در این مورد می‌توان به ساخت شهرک غازانیه در غرب تبریز بر روی ویرانه‌های ارغونیه اشاره کرد. در دوره ایلخانیان توجه اصلی بازار به محله‌ای به نام شام غازان خان بود که در دوران غازان خان بنیان نهاده شده بود. نظر به اینکه شام غازان تا دوره صفویه نیز تا حدی پابرجا بوده است و در پی جنگ‌های ایران و عثمانی از بین رفته، می‌توان نتیجه گرفت که گسترش بازار تبریز در دوره ایلخانیان در مقطع طولانی به طرف جنوب غربی بوده و محدوده گسترده‌ای را به خود اختصاص می‌داده است (فضل‌الله همدانی، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

پس از مرگ تیمور در سال ۱۴۰۲ م، تبریز بار دیگر در سال ۱۴۱۸ م به دست قره‌قویونلوها افتاد و در سال ۱۴۳۷ م جهانشاه قراقویونلو، با انتخاب تبریز به عنوان پایتخت، مسجد معروف به «مسجد کبود» را در سال ۱۴۴۵ م بنا کرد. در دوران قراقویونلوها، شاه ساخت مسجد باشکوه و زیبای کبود (مجموعه مظفریه) را می‌دهد و با این کار گرایش کالبدی بازار به طرف جنوب شرقی گرایش می‌یابد. با احداث مسجد کبود، هسته مرکزی بازار از طریق بازارچه رنگی (نام امروزی بازار است) و عبور از جلو مسجد کبود همان امتداد کهنه خیابان امروز را تشکیل داد و بازار متصل به آن نیز امروز به کهنه بازار مشهور است (اسمعیلی سنگری و عمرانی، ۱۳۹۳: ۷۸). از اقدامات مهم دیگر جهانشاه احداث ابواب البر مظفریه بود (وقف نامه مظفریه، ۸۶۹ ه.ق) که شامل مسجد و قبه (مقبره)، خانقاه (شامل دارالضیافه، آش‌خانه، دارالایتام)، باغ، حوض و قنات بوده و ابنیه‌ای چون مدرسه، کاروان سرا و حمام نیز در ارتباط با مجموعه عمل می‌کرده‌اند (جعفرپور، ۱۳۹۶: ۶۸، به نقل از مشکور، ۱۳۵۲: ۶۷۲.۶۵۶). احداث این مجموعه بر سر جاده اصفهان و بر مسیر جنوبی منتهی به خراسان (سلطانیه. قزوین)، که محل تردد عمده کاروان‌های تجاری بود، و از طرفی انتقال دولت خانه جدید به سر دیگر شریان عبوری از شهر نشانگر چگونگی استقرار فضاهای شهری حکومتی و مذهبی با سیاست تسلط بر محور تجاری شهر است (جعفرپور، ۱۳۹۶: ۶۸).

پس از این دوران و با روی کار آمدن حکومت آق‌قویونلوها، اوزون حسن نیز قسمت شمالی بازار را آماج قدرت‌نمایی خود قرار داد و دستور احداث میدان و مسجد حسن پادشاه (مجموعه صاحب‌الامر) و مجموعه اطراف آن را داد که در پی آن، هسته مرکزی به طرف شمال و شمال شرق، که بعدها جایگاه دروازه سرخاب و شتربان بود، توسعه یافت.

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت‌یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

از آنجا که این بناها درست در شمال رودخانه مهران رود بودند، برای جلوگیری از گسستگی بازار، پل بازارهای بسیار زیبایی بر روی رودخانه مهران رود احداث شدند (حق پرست و اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

با اتمام ساخت مسجد حسن پادشاه و تکمیل مجموعه نصریه در دوره سلطان یعقوب، نقش میدان صاحب‌آباد، به‌عنوان فضای شهری چندعملکردی با وجوه سیاسی و مذهبی و تجاری، در پیش‌برد اهداف حکومت برای دست‌یابی به نهادی با امکان متمرکزکردن قدرت در پایتخت پُررنگ‌تر شد (جعفریور، ۱۳۹۶: ۷۰). با توجه به موارد مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که در دوره ترکمانان آق‌قویونلو، شهر تبریز برخلاف سایر ادوار از توسعه‌ای در راستای شمالی - جنوبی برخوردار بوده است.

در این دوره، مرکزیت سازمان فضایی شهر همچنان با بازار و مجموعه‌های وابسته به آن بود که با ساخت چند نقطه کانونی مهم همچون مجموعه مظفریه در جنوب شرقی شهر و مجموعه صاحب‌آباد در شمال رودخانه با کارکرد اجتماعی و حکومتی و سیاسی دو حد جدید به مرکزیت تاریخی شهر افزوده شدند و سبب توسعه بازار به سمت این دو مجموعه در شرق و شمال شدند (محمدزاده و منصور، ۱۳۹۷: ۲۰).

با روی کار آمدن حکومت قاجار تقریباً بافت و پیکره اصلی بازار به همان صورت باقی ماند (اسماعیلی و سنگری، ۱۳۹۳: ۸۰)، اما وقف همچنان در بازار تبریز نقش آفرینی می‌کرد. در این دوران اقدامات شخص عباس میرزا تأثیر بسزایی در توسعه موقوفات در بازار تبریز داشته است. یکی از واقفان مهم آن زمان در بازار تبریز حاجی جبار تاجر تبریزی معروف به حلاج ولد حاج عبدالغفار بود که در سال ۱۲۷۵ ه. ق در وصیت‌نامه خود مغازه‌ها و فضاهای تجاری متعددی را با هدف خیر و احسان تعریف کرد که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: تیمچه حاجی شیخ کاظم به همراه دالان آن که گویا تعمیر و نوسازی شده بود؛ مغازه جانبی کاروان‌سرای حاج سید حسین؛ مغازه‌ای در کاروان‌سرای کجچی؛ دو باب مغازه در حلاج بازار؛ یک باب مغازه در دلاله زنان؛ دو باب مغازه در بازار صاحب‌الامر؛ سه باب مغازه در کاروان‌سرای حاج میراسماعیل؛ و یک باب مغازه در مسجد جامع.

جدول ۱. دوره بندی شکل گیری و توسعه موقوفات در شهر تاریخی تبریز از قرن چهارم تا دوره پهلوی

نام دوره	عناصر و شاخص ها
قرون چهارم و پنجم	مسجد جامع تبریز
قرن هفتم (ایلخانی)	شهرک غازانیه و ربع رشیدی در ۷۰۹ ه.ق و بقعه سید حمزه با موقوفاتی از قبیل حمام، مسجد، مدرسه و دکان ها در سال ۷۱۴ ه.ق در محله سرخاب بنا شدند (نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۷۲). مجموعه ارگ علیشاه بین سال های ۷۱۶ تا ۷۲۴ ساخته شد. مجموعه علانیه متشکل از مسجد استاد و شاگرد، مدرسه و خانقاه در سال ۷۴۱ ه.ق در میدان کهن تبریز بنا شد (مینورسکی، ۱۳۳۷: ۸۷).
قرن نهم (قره قویونلوها) (دوران حکومت قره قویونلوها)	مجموعه مسجد کبود (مظفریه) (شامل خانقاه، مسجد، مدرسه، ابواب البر) بنا شد (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۵۲)
قرن هشتم و نهم (آق قویونلوها)	قرون هشتم و نهم (آق قویونلوها) (دوران حکومت قره قویونلوها) احداث میدان و مسجد حسن پادشاه (مسجد، مدرسه و بیمارستان نصریه) و قنات حسن پادشاه (عون الهی، ۱۳۸۷: ۲۳۸)
قرن دهم (صفویه) ۱۰۶۸ ه.ق ۱۰۹۰ ه.ق ظهیریه	مجموعه صادقیه و مجموعه میرزا ابراهیم، برادر میرزا محمدصادق (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۸؛ نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۲۰۹؛ کاری، ۱۳۴۸: ۳۵) و مسجد شاه تهماسب در مجموعه صاحب آباد، مدرسه طالبیه (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۷: ۴۰۷؛ خاماچی، ۱۳۷۵: ۲۵۲)؛ موقوفات ظهیریه (هاشمیان، ۱۳۹۲: ۲۱۳)
قرن یازدهم (افشاریه)	بی توجهی به وقف و موقوفات
	قرن یازدهم (زندیه) ۱۱۹۳ ه.ق احداث بارویی با هشت دروازه و مسجد صاحب الامر به دستور جعفرقلی خان دنبلی به سال ۱۲۰۸ ه.ق (نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۲۰۲)
	قرن دوازدهم (قاجاریه) ۱۲۴۰ ه.ق تثبیت بافت تاریخی بازار و تداوم عملکردها در عین ساخت تیمچه مظفریه و اقدامات عمرانی شاهزاده عباس میرزا (نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۲۸۹) و خاندان قائم مقام فراهانی؛ تیمچه و سرای شازده کوچک بزرگ تیمچه و سرای میرزا مهدی؛ مسجد و مدرسه حاج صفرعلی (نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۲۰۹)؛ حمام میرزا موسی خانی؛ مدرسه اکبریه ۱۲۶۶ ه.ق (میرزا علی اکبر خان) (خاماچی، ۱۳۷۵: ۱۷۳)؛ تیمچه حاجی شیخ کاظم به همراه دالان آن
	تثبیت بافت تاریخی بازار و تداوم عملکردها در عین ساخت تیمچه مظفریه و اقدامات عمرانی شاهزاده عباس میرزا (نادر میرزا)، تیمچه حاجی شیخ کاظم به همراه دالان آن
اواخر قاجار و اوایل پهلوی	احداث خیابان های جدید پیرامون بازار و گسستگی کالبد بازار

یافته‌های پژوهش

بازار تبریز دربرگیرنده عناصر مهمی چون مراکز مذهبی، مدرسه‌ها و بخش‌های تجاری همچون حجره‌ها، دکان‌ها، انبارکالاها، کاروان‌سراها و همچنین پل بازار بوده است. این مجموعه دارای ۲۰ راسته‌بازار، ۳۵ سرا، ۲۵ تیمچه، ۱۱ دالان، حدود ۸۰۰۰ مغازه و ۴۰ نوع صنف است و در آن تجارت، مذهب، فرهنگ و عوامل اجتماعی به هم پیوسته‌اند. همه این مکان‌ها در بازار موجب شده‌اند بازار تبریز از نظر ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی و فرهنگی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد (پاشایی کمالی و عمرانی، ۱۳۹۰: ۵۷).

با نگاهی به پدیده وقف و تأثیر آن در توسعه فضایی بازار تبریز می‌توان گفت بررسی نوع پراکندگی موقوفات نشان می‌دهد که، با توجه به مسیرهای تجاری مانند جاده ابریشم و موقعیت قرارگیری دروازه‌ها و شبکه معابری که مورد استفاده کاروانیان و بازرگانان بوده، نسبت به مکان‌یابی و ساخت مجموعه‌های وقفی اقدام شده است. همچنین در راستای ماندگاری عناصر و فضاهای وقفی مذهبی و آموزشی، با تمرکز بر نیازهای روزمره اهالی شهر، به سودآوری و درآمدزایی از محل عناصر تجاری وقفی توجه شده است. در دوره ایلخانی موقوفات قراقویونلوها و آق‌قویونلوها خارج از محدوده شهر و بازار بودند و تلاش شد با ساخت بازارهایی آن‌ها را به مرکز شهر و مسجد جامع متصل کنند. در موقوفات عصر ایلخانی تا صفویه، ضمن توجه به تولید و کشاورزی و صنعت و رونق تجارت در فضای شهری، پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان شهرها و مباحث آموزشی، فرهنگی و اجتماعی مد نظر بوده است. براساس نظریه گیدنز، ساخت‌یابی بازار تبریز بر پایه ارزش‌ها و هنجارهای دینی و متأثر از ساخت‌های پیرامونی به دست کنشگران مسلمان صورت گرفته است. کنشگران بازار تبریز هر یک در برهه‌ای در بساخت آن تأثیر داشته‌اند و ما همچنان پایداری کالبدی و کارکردی بازار تبریز را به‌وضوح مشاهده می‌کنیم که هر یک در محدوده زمانی و مکانی متأثر از ساخت‌های پیرامونی کنشگری کرده‌اند. همان‌طور که میلز خاطر نشان می‌کند، زندگی هر فرد در جامعه‌ای خاص و در خلال دوره تاریخی خاصی جریان می‌یابد. بنابراین طبعاً خصوصیات آن جامعه و ویژگی‌های آن دوره تاریخی بر نحوه کنش و واکنش افراد اثر می‌گذارند. با این وصف، هیچ جامعه و هیچ دوره تاریخی‌ای به فرد آزادی عمل کامل و انتخاب نمی‌دهد و از طرفی هیچ فردی آن قدر بی‌اهمیت نیست که اثری بر تاریخ نداشته باشد (بیکر، ۱۳۸۶: ۸). گو اینکه هر فردی خود محصول حرکت تاریخی است؛ اما در عین حال در طول زندگی خویش در شکل‌گیری جامعه و روند تاریخی آن سهمی ولو اندک دارد (میلز، ۱۳۶۰: ۲۰-۲۴). وقف دو کارکرد مهم در بازار تبریز داشته است؛ یکی از جنبه کالبدی که ویژگی‌های شکلی خاصی به بازار سنتی شهر تبریز داده که شباهت‌های زیادی هم به سایر بازارهای شهرهای اسلامی دارد و دوم اینکه وقف باعث

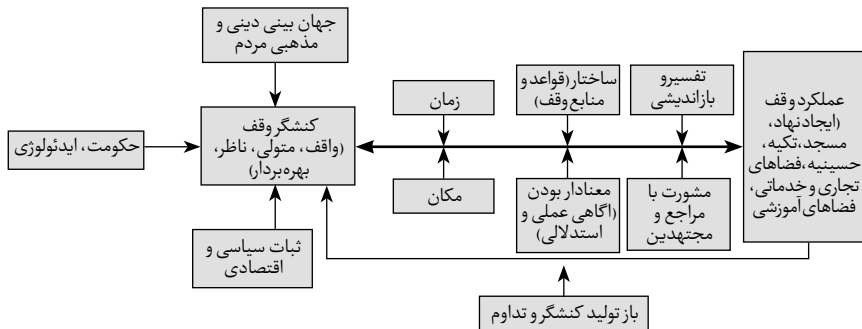
بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای دینی طی سالیان طولانی در بازار تبریز شده است. به زعم گیدنز، ساختارها محدودکننده و درعین حال فرصت‌ساز هستند. بنابراین برای هر موقوفه‌ای براساس قواعد و منابع وقفی نمی‌توان صیغه وقف جاری کرد. لذا نه تنها قبل از وقف مالکیت حقیقی باید کاملاً حلال و منزّه از هرگونه ابهامی باشد، بلکه عملکرد آن موقوفه نیز باید هنجارهای اسلام را بازتولید کند. در توضیح این جمله با توجه به نظریه گیدنز باید گفت که نهاد وقف، به‌عنوان ساختاری دارای قواعد و قانون، برآمده از منابع دینی است و این نهاد فرصتی است برای مؤمنان که هم در ساخت‌یابی فضاهای شهری خود فعال باشند و هم به بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دینی بپردازند. ما این مورد را در مسجد مدرسه صادقیه به‌وضوح می‌بینیم که ابتدا این موقوفه به دست کنشگران مسلمان ساخته شد و سپس همین موقوفه کنشگر مسلمان تربیت کرد و این همان جمله گیدنز است که ما نهادها را می‌سازیم و نهادها به کنش‌های ما شکل می‌دهند. بنابراین نهاد وقف نه تنها فرصت‌ساز است، بلکه شرایطی محدودکننده نیز دارد و کنشگران نمی‌توانند عملکرد موقوفه را علیه هنجارهای اسلامی تعریف کنند. در بازخوانی برخی از وقف‌نامه‌ها به‌وضوح می‌توان این موارد را مشاهده کرد. برای مثال، در تداوم عملکردی این مجموعه‌ها و بازتولید هنجارهای اسلامی می‌توان به اقدامات پسر اوزون حسن در این مجموعه و توسعه آن اشاره کرد. این مجموعه در دوره صفویه به‌عنوان محل تاج‌گذاری شاه اسماعیل صفوی انتخاب می‌شود. وی دستور برگزاری مراسم عاشورا و محرم را در مسجد اوزون حسن می‌دهد؛ پس به‌نوعی با برگزاری مراسم عاشورا و محرم در فضای مسجد شاهد تعریف کارکردی جدید هستیم که خود عاملی برای تداوم آن می‌شود. از سویی، فضای مدرسه اوزون حسن به فعالیت خود همچنان ادامه داده و طلاب علوم دینی را آموزش داده و در توسعه مفاهیم و اندیشه‌های دینی نقش داشته است (عون‌الهی، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

در نمونه دیگری در بازار تبریز که واقف توانسته عاملیت خود را به منصف ظهور برساند، می‌توان به مجموعه حمام میرزا موسی خانی و تاج‌ماه بیگم، برادر و خواهری از خانواده قائم‌مقام فراهانی، اشاره کرد. میرزا موسی بخش عمده‌ای از درآمد موقوفات خود را به نیت عزاداری برای سیدالشهدا و ذکر مصائب آن حضرت در تبریز و توجه به حرم امام رضا (ع) و شهرهای مقدس شیعیان مانند سامرا و نجف اشرف و کربلا و کاظمین وقف کرده است (هاشمیان، ۱۳۹۲: ۹۴).

در تمامی این موقوفات می‌توان تأثیرگذاری متقابل ساختار و عامل را مشاهده کرد که نشان از این نکته دارد که ابتدا عامل یک زمینه‌ساز عامل دو، و سپس عامل دو زمینه‌ساز تداوم عامل یک می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۸۲). به بیانی دیگر، عامل یک

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت‌یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

واقف است که پس از وی متولی و سپس ناظر و در نبود آن‌ها عالم دینی زمینه‌ساز تداوم نیات و انگیزه‌های واقف در طول زمان در ابعاد مکانی می‌شود. گرچه مبتنی بر شرایط زمانی مکانی عالم دینی، که دارای درجهٔ اجتهاد است، می‌تواند تصمیم‌های تازه‌ای برای موقوفات اتخاذ و عملی کند؛ ولیکن دارای محدودیت‌هایی هم هست و آن هم اولویت عمل به نیات واقف است. بنابراین می‌بینیم که موقوفه‌های بازار تبریز با تکیه بر قواعد و منابع وقف نه تنها در طول سالیان پابرجا بوده‌اند، بلکه عملکرد این مجموعه‌ها نیز، که بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای دینی بوده است، همچنان پایداری دارند.



نمودار ۱. تعامل دوسویهٔ کنش و ساخت بازار تاریخی تبریز بر پایهٔ موقوفات بر اساس نظریهٔ ساخت‌یابی گیدنز

بحث و نتیجه‌گیری

نظر به ارزش‌ها و هنجارهای دین مبین اسلام و سنت در منابع دینی، بازار تبریز تجلی عینی ارزش‌ها و هنجارهای دین اسلام است. مجموعهٔ باشکوه بازار تبریز، که در دل خود بیش از ۴۰ باب مسجد، حسینیه، تکیه و مسجد جامع را داراست و همچنین برخورداری از مجموعهٔ صادقیه که عبادت و علم را در کنار هم قرار داده است و از طرفی وجود حمام‌های عمومی، نشان‌دهندهٔ عمق ارزش‌ها و هنجارهای دین مبین اسلام است. بسیاری از اندیشمندان به تفاوت بازارهای شهرهای اسلامی و غربی اشاره کرده‌اند و نتیجهٔ پژوهش حاضر نیز گواهی بر این مدعاست. در پژوهش حاضر، چگونگی شکل‌گیری و توسعهٔ کالبدی و همچنین تداوم عملکردی بازار تبریز بر اساس وقف بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که نهاد وقف منتج از آموزه‌های دینی شامل قرآن، شرع و سنت است و کنشگران مسلمان تبریز با بهره‌گیری از ساخت (قواعد و منابع) توانسته‌اند مجموعهٔ بازار تبریز را در طول تاریخ شکل دهند. کنشگران آگاه یا عاملان (واقفان)، پس از بررسی نیازهای اجتماعی بازار و همچنین ضرورت‌ها و بررسی عملکرد سایر موقوفات در بازار، عملکرد موقوفهٔ خود را تعیین می‌کردند. نکتهٔ حائز اهمیت در بازار تبریز ماهیت و پیوند معنوی

و نزدیک موقوفات با امور دینی و مذهبی و تجارت است. نظر به اینکه در جهان بینی دینی صرفاً مادیات مهم نبوده و اسلام مادیات را همراه و تحت اراده معنویت قرار داده و هدف از مادیات نیز رسیدن به کمالات الهی عنوان شده است، می توان استنباط کرد که کنشگران بازار تبریز، با بهره گیری از قواعد و منابع وقف و متأثر از ساخت های پیرامونی، اهداف متعالی اسلام را مطمح نظر قرار داده و موقوفات خود را پس از بازاندیشی، نیازسنجی و همچنین مشاوره با مراجع عالی قدر در جهت بازتولید اهداف اسلامی وقف کرده اند. بازار تبریز براساس ارزش های اسلامی شکل گرفته و همچنان در جهت تولید ارزش های اسلامی عمل می کند. مساجد، تکیه ها، حسینیه ها و مراکز آموزشی، همه، حکایت از این دارند که اسلام کمالات الهی و انسانی را برای انسان ها در اولویت قرار داده است. فرارگیری عناصر اصلی تشکیل دهنده شهر یعنی مساجد جامع، بازارها و خدمات عمومی در یک ارتباط فضایی نه تنها از آموزه های اسلامی گرفته شده، بلکه همه این مجموعه ها در جهت رسیدن به اهداف متعالی اسلام بوده اند. در این میان باید اذعان کرد که نهاد وقف نهادی کامل است. برای مثال، واقفان نه تنها برای ماندگاری و حفظ کالبد موقوفه ها رقباتی می کردند، بلکه برای تداوم عملکرد موقوفه نیز رقباتی را وقف می کردند. فرارگیری مساجد جامع، حاج صفرعلی، صادقیه و فضاهای آموزشی در بافت کالبدی بازار تبریز و توسعه و تکامل آن ها به دست عاملان (واقف) در طول تاریخ بدون تکیه بر سنت جاودانه وقف و قواعد آن و تکیه بر منابع مالی تخصیص یافته در قالب رقبات امکان پذیر نبوده و این سنت نبوی حیات بخش و ضامن بقای این موقوفه ها در کنار هم بوده است. مساجد واقع در بافت کالبدی بازار، علاوه بر حفظ عملکرد خود به عنوان فضاهای مذهبی، عهده دار فضاهای آموزشی نیز بودند و برای حفظ این فضاها، رقبات موقوفه با کارکرد تجاری (تیمچه حاج صفرعلی و بازار صادقیه) پیرامون آن ها شکل گرفته اند. در واقع، برای تداوم حیات فضاهای منتج از جهان بینی دینی، به منابع مالی یا تغذیه کننده یا اقتصادی نیاز بوده است. چنان که برخی از محققان نیز تأکید دارند، ارزش موقوفات به رقبات آن بستگی دارد. در حقیقت، رقبات است که موقوفات را حفظ می کند و پایدار نگه می دارد (بمانیان، بقایی و امیرخانی دیگران، ۱۳۸۷: ۶۷) و در سند وقف نامه اولویت درآمد رقبات حفظ و پایداری کالبد موقوفات و پس از آن، عملکرد مدنظر بوده است. ساختار حقوقی و فقهی نهاد وقف موجب ماندگاری فضاهای وقفی و تداوم عملکرد آن ها در اعصار متمادی شده است.

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت‌یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

منابع و مأخذ

- آجرلو، اسماعیل (۱۳۹۳). **آشنایی با مفاهیم حقوقی، بررسی مفهوم وقف**. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶). **سفرنامه ابن بطوطه**. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: نشر آگه.
- ابی‌زاده، الناز (۱۳۹۷). **بررسی عوامل مؤثر بر حس مکان بازار تاریخی تبریز در راستای حفاظت معنایی و ارزشی میراث معماری**. رساله دکتری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- احمدی، نزهت (۱۳۸۴). «تشیع و وقف در عصر صفوی». **مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، شماره ۴۰: ۶۲-۴۱.
- اسماعیلی سنگری، حسین و بهروز عمرانی (۱۳۸۷). **تاریخ و معماری بازار تبریز**. تهران: انتشارات ستوده.
- اسماعیلی سنگری، حسین و بهروز عمرانی (۱۳۹۳). «پایگاه میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز (اقدامات و چالش‌ها)». **نشریه دانش مرمت و میراث فرهنگی**، شماره ۴: ۷۵۹۱.
- اسماعیلی سنگری، حسین و وحید ایلائی (۱۳۹۳). «بازخوانی اسناد کتیبه‌های غیرمنقول در میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز». **فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی**، شماره ۵: ۱۰۷-۱۳۲.
- اولیای چلبی، محمدظلی (۱۳۳۸). **سیاحت‌نامه قسمت آذربایجان و تبریز**. ترجمه حسین نخجوانی. تبریز: ناشر شفق.
- اهلرز، اکارت (۱۳۷۳). **شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت**. ترجمه و تحریر محمدحسن ضیا توانا و مصطفی مؤمنی. **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۲: ۳۲-۵۳.
- بزرگی، مهدی (۱۳۷۹). «راه‌های ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه». **فصلنامه وقف میراث جاویدان**، شماره ۳۰: ۱۱۷-۱۰۶.
- بمانیان، محمدرضا و پرهام بقایی و آرین امیرخانی (۱۳۸۷). «رهیافتی بر نقش موقوفات در سامان‌دهی فضاهای شهری (با نگاه ویژه بر موقوفات شهر اصفهان)». **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۲۱: ۵۹۷۱.
- بیکر، ترز. ال. (۱۳۸۶). **نحوه انجام تحقیقات اجتماعی**. ترجمه هوشنگ نائبی. تهران: نی.
- پارکر، جان (۱۳۸۶). **ساخت‌یابی**. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- پاشایی کمالی، فرشته و بهروز عمرانی (۱۳۹۰). «روند ثبت جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز». **فصلنامه علمی، فنی و هنری اثر**، شماره ۵۳: ۵۶۶۶.
- پاشایی کمالی، فرشته، عمرانی، بهروز، روند ثبت جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز، **فصلنامه علمی**،

فنی و هنری اثر، شماره: ۵۳، ۶۶-۵۶.

تاورنیه، جان (۱۳۳۶). **سفرنامه تاورنیه**. ترجمه ابوتراب نوری. تجدید نظر کلی و تصحیح: حمید شیرازی. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.

ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۵۷). «وقف نامه طالبی تبریز». **یادنامه یغما**، شماره ۱۲: ۴۰۶-۴۱۴. جعفریور، ساناز (۱۳۹۶). «سازمان فضایی شهر تبریز در دوره ترکمانان و تأثیر آن بر نظام ارتباطی میان مرکز شهر قدیم با مرکز حکومتی جدید در پایتخت های صفویان». **دو فصلنامه فیروزه اسلام**. دانشگاه هنر اسلامی تبریز. شماره ۴: ۶۵۸۰.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷). **ترمینولوژی حقوق**. تهران: گنج دانش.

حاجی حیدری، حامد (۱۳۸۸). **آنتونی گیدنز؛ مدرنیته، زمان، فضا**. تهران: انتشارات اختران.

حاجی حیدری، حامد و علی متقی زاده (۱۳۹۱). «بازسازی الگوی بازاریابی گیدنز بر مبنای مواضع اخیر تراو راجع به سنت». **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی**. شماره ۳: ۸۳-۴۱.

حبیبی، سید محسن (۱۳۹۰). **از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر**. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

حق پرست، فرزین و حسین اسمعیلی سنگری (۱۳۹۷). «مدیریت مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز با تکیه بر مشارکت مردمی». **نشریه مدیریت شهری**. شماره ۵۰: ۱۶۲-۱۴۵.

خامچی، بهروز (۱۳۷۵). **بازار تبریز در گذر زمان (بررسی اوضاع تاریخی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی بازار تبریز)**. تبریز: نشر آشنا.

خان محمدی، اکبر (۱۳۸۶). «بازار در ادب فارسی». **هفت شهر**، شماره ۲۰: ۴۱۰.

ذوالفقارزاده، حسن و صنم جابری (۱۳۹۴). **تحلیلی بر بازار تبریز**. قزوین: انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). **مفردات الفاظ قرآن**. تهران: نشر مرتضوی. تهران: .

رجبی، آریتا (۱۳۸۶). **ریخت شناسی بازار**. تهران: نشر آگاه.

رضایی، مهدیه و سید محمد صدری و محمدرضا آقاجانی قناد (۱۳۹۲). «وقف پول». **نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی**، شماره ۲: ۲۷۷-۲۶۱.

ریتزر، جرج (۱۳۸۳). **مبانی نظریه جامعه شناسی معاصر و ریشه های کلاسیک آن**. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: ثالث.

تزر، جرج (سفرنامه فرد ریچادز، مترجم: صبا میهن دخت، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: آندره (۱۳۷۰). **شهرهای بزرگ عربی اسلامی در قرن های ۱۰ تا ۱۲ هجری**. ترجمه حسین سلطان زاده. تهران: انتشارات مترجم.

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۳۹۶). **جامعه شناسی (۱)**. تهران: دفتر تألیف کتاب های

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت‌یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

درسی عمومی و متوسطه نظری، پایه دهم دوره دوم متوسطه.

سلطان زاده، حسین (۱۳۷۶). **تبریز، خشتی استوار در معماری ایران**. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

اریس. «ساخت‌یابی». ۲: شاردن، ژان (۱۳۷۲). **سفرنامه شاردن**. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.

شاه حسینی، پروانه (۱۳۹۵). «تأثیرات متقابل مکان‌های وقفی و توسعه شهر تهران در دوره قاجاریه». **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۳: ۷۵-۸۴.

شفقی، سیروس (۱۳۷۸). «مقدمه‌ای بر شناخت شهرهای اسلامی». **مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان**، شماره ۹: ۵۱-۹۴.

شفقی، سیروس (۱۳۸۰). «تحلیل فضایی - کالبدی بازار اصفهان». **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۱: ۵۰-۲۲.

شکاری، روشنعلی و اسماعیل کریمیان (۱۳۸۹). «تحلیل فقهی-حقوقی بیع مال موقوفه». **پژوهش‌نامه حقوق اسلامی**، شماره ۲: ۸۹-۱۲۰.

شمس، مجید و پریسا حجی ملایری (۱۳۸۹). «تأثیر جهان‌بینی دینی وقف بر شکل‌گیری و گسترش فیزیکی شهر (مورد مطالعه: شهر ملایر)». **مجله جامعه‌شناسی معاصر**، شماره ۲: ۲۰۵-۱۹۱.

شهبابی، سید محمدرضا (۱۳۸۳). «مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری». **تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۱: ۱۵۰-۱۳۵.

طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). **تفسیرالمیزان**. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عبدالستار عثمان، محمد (۱۳۷۶). **مدینه اسلامی**. ترجمه علی چراغی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

عزیزخانی، احمد (۱۳۸۷). «مفهوم کنش و ساختار در نظریه ساختاری شدن (با تأکید بر تحولات ایالات متحده آمریکا)». **انسان‌پژوهی دینی**، شماره ۱۷: ۲۱۳-۱۹۵.

عون‌الهی، سید آقا (۱۳۸۷). **تاریخ پانصدساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان**. تهران: امیرکبیر.

غفوریان، میترا (۱۳۹۴). «تأثیر هویت‌آفرین فرهنگ وقف بر میزان حس تعلق و تعاملات اجتماعی ساکنین محله‌های شهری (نمونه موردی: محلات منطقه ۱۲ تهران)»، در **مجموعه مقالات اولین همایش معماری ایرانی اسلامی (سیمای دیروز-چشم‌انداز فردا)**، شیراز، جلد دوم، (صص ۹۴۴-۹۳۲)، شیراز.

فاریابی، مرضیه و حسن هاشمی زرج‌آباد و مفید شاطری و علی زارعی (۱۳۹۵). «تبیین کارکردپذیری پیش‌الگوهای نخستین وقف در شهر کهن ایرانی». **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۶: ۲۰-۵.

فضل‌الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۹۴). **جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی)**. تصحیح و تحشیه

- محمد روشن و مصطفی موسوی. تهران: نشر مرکز پژوهش میراث مکتوب.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). **سفرنامه فلاندن**. ترجمه حسین نور صادقی. تهران: اشرافی.
- کاری، جووانی فرانچسکو جمله‌ی (۱۳۴۸). **سفرنامه کاری**. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- ی. (). به تی و احسان پور. تهران: کربلائی تبریزی، حافظ حسین (ق). **روضات الجنان و جنات الجنان**. تصحیح جعفر سلطان القرائی. یز: نشر ستوده. کریمیان، حسن و علیرضا بهمنی و سید محمدرضا شهبانی (۱۳۹۵). «تأثیر وقف بر شکل‌یابی فضاهای شهری زمان قاجار در شهر ری». **فصلنامه باغ نظر**، شماره ۴۴: ۹۸-۸۹.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین و سید احمد صالحی و قهرمان رستمی (۱۳۸۹). «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان)». **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲: ۳۳-۴۳.
- کلاویخو، روی گونزالز (۱۳۶۶). **سفرنامه کلاویخو**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- لازارسفلد، پل (۱۳۷۶). **بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر**. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۹). «مبانی اندیشه آنتونی گیدنز: نظریه‌پرداز ساخت‌یابی». **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۲۴: ۷۵-۹۴.
- مارکوپولو (۱۳۵۰). **سفرنامه مارکوپولو**. ترجمه حبیب‌الله صحیحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- (۱): محمدزاده، شبنم و سید امیر منصور (۱۳۹۷). «ارتباط مجموعه مظفریه با سازمان فضایی شهر تبریز از دوره قراقویونلوها تا دوره قاجار». **مجله باغ نظر**، شماره ۶۸: ۱۵-۲۴.
- (۱). (۱): ۹۴-۱۰۵.
- مرصوسی، نفیسه (۱۳۹۰). «تحلیل کارکردهای اقتصادی بازار تبریز و حوزه نفوذ آن». **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۷۵: ۱۵۲-۱۳۳. مستوفی، حمدالله (۱۳۳۶). **نزهة القلوب**. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: طهوری.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲). **تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری**. تهران: انجمن آثار ملی.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۰۴). **الفقه علی المذاهب الخمسه**. قم: نشر مؤسسه دارالکتب الاسلامی.
- ملکوتی فر، ولی‌الله (۱۳۸۰). «بررسی تطبیقی تعریف وقف، وقف نقود و شرایط موقوفه». **مجله وقف میراث جاویدان**، شماره ۳۳ و ۳۴: ۱۳۹۱۴۸.
- منافی شرف‌آباد، کاظم و الهام زمانی و عباس پورسلیم (۱۳۹۳). «جایگاه سنت حسنه وقف در فرهنگ اسلامی؛ با تأمل بر قرآن و سیره معصومان (ع)». **نشریه مهندسی فرهنگی**، شماره ۸۱: ۷۸-۶۰.

تحلیلی تاریخی بر نقش فرهنگ وقف و کارکرد آن در ساخت‌یابی بازار شهر تبریز با تأکید بر آرای گیدنز

موسوی بجنوردی، سید محمد و ابوالفضل قهاری (۱۳۹۵). «جایگاه وقف در اموال اشخاص حقوقی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره)». *پژوهشنامه متین*، شماره ۷۷: ۲۰-۱.

میلز، سی. رایت (۱۳۶۰). *بینش جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالمعبود انصاری. تهران: شرکت سهامی انتشار.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۳۷). *تاریخ تبریز*. ترجمه عبدالعلی کارنگ. تهران: انتشارات کتابفروشی تهران.

نادرمیرزا، بدیع‌الزمان (۱۳۹۳). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: انتشارات آیدین و اینار.

ناصرخسرو (۱۳۵۴). *سفرنامه خسرو*. تهران: حبیبی.

نژادابراهیمی، احد (۱۳۹۳). «روند شکل‌گیری و توسعه شهر تبریز از صدر اسلام تا ظهور قاجار». *فصلنامه پژوهش هنر*، شماره ۷: ۴۶-۴۱.

وچاتلما، پدر (۱۳۶۸). «معماری بازار». ترجمه ناصر براتی و حمیده امکچی. *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲ و ۳: ۲۵۳۷.

هاشمیان، هادی (۱۳۹۲). *امامزاده سید حمزه تبریز و موقوفات ظهیریه*. تبریز: اداره کل اوقاف و امور خیریه استان آذربایجان شرقی.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*. قم: دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.

Bonine, M. E. (1987). *Islam and Commerce: Waqf and the Bazaar of Yazd*. Iran: Erdkunde.

Çöteli, M. G. (2016). 'The Impact of Waqfs on the Formation of Historical Commercial Zone: The Cyclical Nature of the Property and Charity Relation/İslam Kentinde Vakıfların Ticaret Bölgesinin Oluşumu Üzerine Etkisi: Hayrat-Akar İlişkisinin Döngüsel Doğası'. *Vakıflar Dergisi*, (45).

Deguilhem, R. (2008). 'The Waqf in the city'. In *The City in the Islamic World* (2 vols.) (pp. 929-956). Brill.

Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society*. Berkeley: University of California Press.

Hamouche, M. B. (2007). 'Sustainability & urban management in old Muslim cities: the role of pious foundations'. *Journal of King Saud University*, 19(2), 27-48.

Herdeg, K. (1990). *Formal structure in Islamic architecture of Iran and Turkistan*. Rizzoli.

- Leskiewicz, M. (2004). 'Towards an Ontological Revival of Legal Theory, part II: Methodological Ethics, Bourdieu, Giddens and De Certeau'. Retrieved from: [http://www.alpsa.net/documents/Leskiewics Ontology II-000.pdf](http://www.alpsa.net/documents/Leskiewics%20Ontology%20II-000.pdf)
- Steven, R. (1962). **The land of the great Sophy published by Methuen**. London: Engelan.